

تحلیل مطالعه فرصتها و کمبودها در آینده نگری توسعه در مناطق مرز نشین کشور ایران با استفاده از مدل SWOT ویژه تحقیق در مرزهای کورد نشین ایران با اقلیم کردستان عراق

علی محسنی^{۱*} و رضا فکری بارکوسرائی^۲

۱ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

۲ دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه اسلامی واحد قم

چکیده

منطقه ی مرزی کشور ایران و عراق تا قبل از سقوط رژیم بعثی، یک منطقه ی کم رونق و با کارکرد صرف امنیتی بود. در این دوره وضعیت اقتصادی مناطق مرزی دو کشور از توسعه ی مناسبی برخوردار نبود. اما از سال ۲۰۰۳ میلادی و پس از سقوط رژیم بعثی و حاکمیت دموکراسی در عراق، مرزهای مشترک دو کشور از حالت صرف امنیتی خارج شدند و وارد برهه ی جدیدی شدند که مهم ترین مشخصه ی این دوره، رونق اقتصادی منطقه ی مرزی دو کشور است. یکی از مناطق مرزی مشترک کشورهای ایران و عراق، مرز مشترک بین ایران و اقلیم کردستان عراق است. در چارچوب عراق دموکراتیک، منطقه ی کرد نشین عراق به یک خودمختاری در زمینه های مختلف، از جمله اقتصادی شد. این امر سبب ارتباط مستقیم و مستقل این اقلیم خودمختار با کشورهای همجوار و بویژه ایران شد. این امر سبب رشد و توسعه ی سریع برخی از شهرهای مرزی ایران از جمله بانه، سردشت، پیرانشهر، مریوان، جوانرود و غیره در این منطقه شد. این توسعه ی نوین در منطقه ی مرزی مذکور ناشی از خاصیت و پتانسیل های این منطقه ی مرزی است. اما موانع و چالش هایی نیز پیش روی توسعه ی این منطقه وجود دارد. از این رو در این مقاله تلاش بر این است تا با بهره گیری از مدل راهبردی SWOT به بررسی فرصت ها و موانع پیش روی توسعه در این منطقه پرداخته شود و راهبردهایی نیز برای تقویت توسعه در این منطقه ارائه گردد. در این راستا سوالات اصلی مقاله بدین شکل طرح شده است که: ضعف ها، قوت ها، تهدیدها و فرصت های پیش روی توسعه در منطقه ی مرزی ایران با اقلیم کردستان عراق کدامند؟ چه راهبردهایی جهت بهبود وضعیت توسعه در این مناطق قابل ارائه است؟ شایان ذکر است که این پژوهش به شیوه ای تحلیلی- توصیفی نگاشته شده است. داده های این مقاله نیز به شیوه ای کتابخانه ای و پیمایش و پرسشنامه بدست آمده اند و روش تجزیه و تحلیل نیز از طریق مدل SWOT صورت پذیرفته است.

واژه های کلیدی: منطقه ی مرزی، ایران، اقلیم کردستان عراق، مدل راهبردی SWOT.

مقدمه

یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها داشتن کنترلی مناسب بر مناطق مرزی، حاشیه‌ای و دور از مرکز است. این مناطق در بسیاری از کشورها و بویژه در خاورمیانه به دلیل استقرار اقلیت‌های قومی و مذهبی دارای شرایط ویژه‌ای هستند. حال تصور یک منطقه‌ی مرزی با اقلیت قومی و با مذهب متفاوت با مرکز و اکثریت ملت مسئله را پیچیده‌تر می‌نماید. در گذشته دولت‌ها راهکار کنترل این مناطق را در ایجاد امنیت سنتی و نظامی و سخت می‌دیدند و با افزایش پایگاه‌های نظامی، کنترل شدید مرزها و تدابیری از این قبیل به ایجاد امنیت می‌پرداختند. سرکوب نیز راه حل فرونشاندن بحران‌های مرزی بود. اما امروزه دولت‌ها به دنبال ایجاد امنیت پایدار و مداوم بدون صرف هزینه برای کنترل شدید نظامی و سرکوب هستند. ایجاد امنیت پایدار خود ریشه در اندیشه‌ی نوین و نگاه متفاوت دولت‌ها به مناطق مرزی و پذیرفتن اقوام و اقلیت‌های مرزنشین به عنوان بخش عادی از کلیت ملت است.

امنیت پایدار بر بستر توسعه‌ی پایدار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و امنیتی است. مدیریت توسعه محور به جای مدیریت امنیت محور (امنیت به معنای سنتی و خشن) در مناطق مرزی منجر به ارتقای سطح زندگی مردم مناطق مرزی و رضایتمندی آن‌ها از دولت مرکزی و نیز افزایش مشروعیت سیاسی دولت در بین اقلیت‌ها و نهایتاً تأمین امنیت و منافع ملی و خنثی‌سازی تهدیدات بیرونی و چالش‌های درونی می‌شود. از این رو در این مقاله سعی شده به طور موردی منطقه‌ی مرزی ایران با اقلیم کردستان عراق مورد مطالعه قرار گیرد و فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی توسعه در این منطقه‌ی مرزی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد که این امر از طریق مدل راهبردی SWOT عملی خواهد شد. در این راستا سوالات اصلی مقاله بدین شکل طرح شده است که: ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌های پیش روی توسعه در منطقه‌ی مرزی ایران با اقلیم کردستان عراق کدامند؟ چه راهبردهایی جهت بهبود وضعیت توسعه در این مناطق قابل ارائه است؟ شایان ذکر است

روش شناسی

این پژوهش به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی نگاشته شده است. داده‌های این مقاله نیز به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و پیمایش و پرسشنامه بدست آمده‌اند و روش تجزیه و تحلیل نیز از طریق مدل SWOT صورت پذیرفته است. بدین صورت که یک پرسشنامه در طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) برای هر کدام از ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها، تهیه شد (جدول شماره ۱) و بین ۴۵ نفر از طریق ایمیل توزیع شد که از این تعداد ۱۰ نفر پاسخ نداده و پاسخ‌های ۴ نفر نیز به دلیل نقص مورد پذیرش قرار نگرفت. بنابراین پاسخ‌های ۳۱ نفر مبنای تحلیل قرار گرفت. براساس این پرسش‌نامه‌ها وزن نرمال این عناصر چهارگانه استخراج شد و در رتبه‌ی آن‌ها ضرب شد و امتیاز وزن دار استخراج شد. و براساس آن به تحلیل مدل راهبردی SWOT پرداخته شد.

جدول ۱: نمونه پرسشنامه در طیف لیکرت

ردیف	نقاط قوت، ضعف، فرصت یا تهدید	فراوانی			
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد
1					خیلی زیاد
2					
3					
4					
5					

چارچوب نظری تحقیق

مفهوم مرز

در گذشته بسیاری از کشورهای جهان، به جای خطوط به وسیله زون ها از یکدیگر جدا می شدند. هم اکنون نیز در کشورهایی که جمعیت بسیار کمی دارند و یا از نظر سیاسی توسعه یافته نیستند، اینچنین است. در عین حال، در دوران کنونی مسائلی چون افزایش کمبود زمین و افزایش جمعیت، کشیدن خطوط دقیق تر در مکان سرحدات را الزامی نموده است (Boateng, 1980: 11). جغرافیدانان در تعیین تفاوت میان مرز و سرحد توضیحات گوناگونی ارائه داده اند. از جمله:

کرسٹف (۱۹۵۹): سرحد از مفهوم «حد جلو»، مانند نوک نیزه، به معنی حد جلویی یا حد انتهایی تمدن می آید. «مرز» از مفهوم «محدوده ها» گرفته شده است که به محدوده ی سرزمین اطلاق می شود. به این ترتیب، سرحد نگاه به بیرون دارد و مرز محدود کردن در درون را می رساند. سرحد منطقه تماس دو قدرت است (Taylor, 1989: 145) و مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۳۲.

ژان گاتمن^۱: نزد برخی ملت ها سرحد خطی بود در فضا که می بایستی حفظ و نگهداری می شد. نزد دیگر ملت ها سرحد یک منطقه پیرامونی بود که دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی پدید آورنده ی یک ملت را سبب می شد و به زیستن آن ملت یاری می داد (Gottmann, 1976: 34) و مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۳۲.

مک دونالد (۱۹۷۸): هنگامی که لغت Frontier به دنیای جدید که هنوز میان کشورها و پادشاهی ها تقسیم نشده بود، صادر شد، معنای جدیدی به خود گرفت و برای متمایز کردن سرزمین مسکونی و شناخته شده از سرزمین غیر مسکونی و متخاصم به کار رفت (Macdonald, 1978: 174).

ریچارد میور: مرزها تا حدودی مانند چیزی خطی توصیف شده اند. در حقیقت مرزها در جایی به وجود می آیند که فصل های مشترک عمودی میان حاکمیت های کشوری از سطح زمین می گذرند. برعکس، سرحدات مفهومی منطقه ای دارند. در نتیجه در برگیرنده ی چهره های جغرافیایی مختلف و غالباً جمعیت ها هستند. گرچه، مرزها - به عنوان فصل مشترک عمودی - دارای امتداد افقی نیستند، اما عامل موقعیت مرزی می تواند در تعیین چشم اندازهای اطراف موثر باشد. حال آن که منطقه ای که در گذشته یک سرحد بوده ممکن است مدت ها پس از آن که سرحد جلو رفته، عقب رفته و یا کوچک شده است، باز هم دارای مشخصات در چشم انداز باشد (میور، ۱۳۷۹: ۲۸۱).

گلاسنر: سرحد یک ناحیه است، اما همیشه ناحیه جداکننده ی دو یا چند کشور نبوده است؛ بلکه به معنای اولیه کلمه برای فضای داخلی کشورها که دولت ها آن را کاملاً اشغال کرده اند بیشتر به کار می رود (Glassner, 1993: 73) پرسکات: جغرافیدانان سیاسی واژه سرحد را به دو معنا به کار می برند: ۱) تقسیم سیاسی بین دو کشور و ۲) تقسیم بخش های مسکونی و غیرمسکونی یک کشور. در هر یک از این معانی سرحد به مثابه ی یک منطقه تلقی می گردد (Prescott, 1978: 33)، در حالی که مرز به یک خط اشاره دارد (Prescott, 1978: 13)

دره میرحیدر: در گذشته، مفهوم مرز با آن چه که امروز از آن برداشت می شود تفاوت داشته است. در آن زمان سرحد به منطقه ی پهناوری که حد فاصل دو امپراطوری بود، گفته می شد (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۶۲).

پیروز مجتهد زاده: سرحد در زمان های قدیم به منطقه ی تماس بین دو نهاد دارای موجودیت که از نظر اجتماعی و سیاسی یکپارچه بودند اطلاق می شد و سرحد در نهایت را نشان می داد. بنابراین، سرحد را می توان به عنوان شاخص حدود بیرونی قدرت و نفوذ یک حکومت و یا نشانه لبه های فشار سیاسی یک قدرت در مقابل دیگری توصیف کرد. اما با پیدایش «اقتصاد بین المللی» در سده نوزده، نیاز به مشخص ساختن خط دقیق برخورد میان حکومت ها از راه نمایندگی های بازرگانی و سیاسی آن ها بالا گرفت (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۱۱۹). انسان کهن پایان فتوحات خود را سرحد می شناخت. به این ترتیب،

1 . Christev

2 . In front

3 . Bounds

4 . John Gottman

سرحد مفهومی کهن است و مرز مفهومی است نوین (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۴۱). با توجه به مطالب فوق، تفاوت اصلی مرز و سرحد را می توان در جدول ذیل خلاصه کرد:

جدول ۲: تفاوت های مرز و سرحد

مفهوم	ویژگی	تاریخ پیدایش	حدود	نگرش
سرحد		مربوط به گذشته	منطقه پهناور	رو به جلو
مرز		بعد از وستفاليا	خط باریک	محدود در درون

(شیرزاد، ۱۳۹۰: ۲۹)

بدین ترتیب، مرز که حدفاصل دو کشور یا نقطه ای است که صلاحیت سرزمینی بر روی آن پایان می یابد (پورمهرانی، ۱۳۸۸: ۲۶)، به عنوان خطوط محصور کننده قلمروهای یک کشور، بخش مهمی از مطالعات جغرافیای سیاسی را تشکیل می دهد (Hartshorn, 1936: 121-147). این بدین دلیل است که مرزهای سیاسی تجلی فضایی محدوده های قلمرو قدرت سیستم سیاسی ای که به آن متعلق است را شکل می دهند. و یا شاید بدین دلیل که مرزها، پدیده های جغرافیای سیاسی ملموس تر و واضح تری هستند و بنابراین برای مطالعات جغرافیای سیاسی جاذبه ای قوی دارند (Minghi, 1963: 407). به طور کلی، در میان مطالعات مربوط به مرزهای بین المللی، جغرافیا دارای پیشینه ای طولانی و درخشان حداقل از صد سال پیش تاکنون است. بحث های اولیه مرزهای سرزمینی توسط جغرافیدانان دانشگاهی به اظهارات راتزل (۱۸۹۷) در مورد حکومت ارگانیک، بر می گردد و سپس بوسیله اظهارات امیریالیستی لرد کرزن (Boggs, 1940: 12) بر روی مرزها و مطالعه هولدیچ از سرحدات سیاسی و ساخت مرز (Holdich, 1916: 421-39)، ادامه یافت. پس از جنگ جهانی دوم، تعداد مطالعات جغرافیدانان برجسته بیشتر از دیگر دانشمندان بوده است. طی جنگ جهانی دوم و پس از آن، بحث های داغی در مورد طبیعت مرزها بویژه از دیدگاه نظامی و مفهوم کشور، وجود داشت. برای مثال توماس هولدیچ، مرزها را به شکل ابتدایی به عنوان موانعی در نظر گرفت و استدلال کرد که بهترین مرزها، کوه ها، دریاچه ها، و بیابان ها هستند. همچنین، در مورد مناطق مورد منازعه، مطالعات جغرافیایی زیادی وجود داشت و این مطالعات بر روی تغییر مرزها تاثیرگذار بوده اند. در واقع ترمینولوژی مرز بوسیله همین مطالعات موردی در مورد نزاع های مرزی و فرایندهای علامتگذاری برجسته شد (Jones, 1945: 33). دو کار کلاسیک به وسیله جغرافیدانان در دهه ۱۹۴۰ بر روی مرزها بین المللی چاپ شد؛ باگز^۵ و استفان جونز^۶، که هنوز مطالعات ارزشمندی به شمار می آیند (Blake, 2000: 55-62). پس از آن، جنگ سرد تضمین نمود که نقشه سیاسی بسیاری از جهان بدون تغییر باقی می ماند. بر این اساس، جغرافیدانان سیاسی مطالعاتشان را بر روی مرزهای بین المللی کاهش داده و به پرسش های گسترده تر در مورد ژئوپلیتیک جنگ سرد پرداختند.

گرایش مطالعات جغرافیدانان به تحدید مرزهای دریایی از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، این در حالی بود که پیش از آن و نخستین بار، باگز در دهه ۱۹۴۰ در مورد مرزهای دریایی نوشت. در دهه ۱۹۸۰، جغرافیدانان آغاز به کسب سهم بیشتری در مطالعات مرزهای دریایی نمودند. در این زمینه می توان جغرافیدانانی چون پرسکات^۷ در استرالیا و رابرت اسمیت^۸ در سازمان جغرافیایی ایالات متحده امریکا، را نام برد. بدین ترتیب جغرافیدانان که در گذشته تنها در مطالعات آکادمیک در مورد مرزهای بین المللی، پیشرو بودند در اواخر قرن بیستم در حوزه های مدیریتی نیز سهم قابل توجهی داشتند (Newman & Paasi, 1998: 186-207). بدین ترتیب در دوران وستفالیایی، مطالعات مرز از این جهت حائز اهمیت بود که سرزمین و مرز به

⁵ - Thomas Holdich

⁶ - Boggs

⁷ - Stephen Jones

⁸ - Prescott

⁹ - Robert Smith

عنوان منبع قدرت حکومت به حساب می آمدند. بنابراین افزایش قدرت دلیلی بر افزایش ادعاهای مرزی در راستای افزایش قلمرو گشت (Kristof, 1959: 269-82). با پشت سر نهادن جنگ سرد و ورود به دوره جهانی شدن، نظریات مبنی بر جهان بدون مرز توسعه یافت. در این زمینه، هارتشورن اظهار می دارد؛ اگرچه نمی توان جهان بدون مرز را مفهومی دروغین دانست، اما این حقیقت وجود دارد که مرزها در تنوعی از اشکال و با شدت های مختلف، ادامه خواهند یافت تا قلمروهای ما را محدود و حیطه تعاملات و پیوستگی های ما را تعیین نمایند. مطالعه مرزها موضوعی کانونی در جغرافیای سیاسی باقی خواهد ماند؛ نه فقط از این جهت که مرزها قلمروهای سرزمینی ما را تعیین می کنند، بلکه بدین دلیل که محدوده فضایی کشورهای ما را نیز مشخص می نمایند.

بنابراین، اگرچه در دوران پیش از جهانی شدن، مرزهای وستفالیایی به دلیل تعیین محدوده حاکمیت کشور، از اهمیت بالایی برخوردار بودند، اما هم اکنون به دلیل جابجایی های بین المللی کالا، مردم، و اندیشه، این مرزها برجسته تر و پراهمیت تر شده اند (Hartshorn, 1936: 121-147). به هر حال، نیاز به تعیین خطوط دقیق جداکننده دو کشور و نقاط تماس میان آنها حاصل پدایش حکومت ملت پایه در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم است. این پدیده نو، انطور که پیتر تیلور و دیگران می گویند دستاورد اجتناب ناپذیر گسترش امپریالیسم جهان گرا در دوران های جلوتر و نظام اقتصادی جهانی و نظام ارتباطی نهفته در آن بوده است (Mojtahed-Zadeh, 2006: 14). از نگاهی کلی، کارکرد مرزها را در دوران کنونی می توان در موارد زیر دسته بندی کرد:

۱. ایجاد کننده تمایز میان دو فضای جغرافیایی؛ ۲. خطوط جداکننده قلمرو حاکمیت ها؛ ۳. یکپارچه کننده ملت؛ ۴. خط جنگ و صلح میان دو کشور؛ ۵. خط تعامل و اتصال میان دو ملت؛ ۶. خط کنترل جریان کالاها و اجناس (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۹).

جایگاه مفهوم توسعه در مدیریت مرزها

مراد از مدیریت مرزها، مجموعه ی اقدام های هدفمندی است که در جهت تثبیت و انجام بهینه ی کارکردهای مرز در ابعاد مختلف در طول خط مرز و مناطق مرزی انجام می شود. این اقدام ها شامل اقدام های قانونی، انتظامی سیاسی، فرهنگی، عمرانی و حتی زیست محیطی است. مدیریت مرز دارای ابعاد نظامی-امنیتی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، عمرانی است. در ارتباط با «مدیریت بهینه» گفتنی است که مرور اندیشه های مدیریتی نشان می دهد که اندیشمندان مدیریت، «بهینه» را در عبارت «بهره ور» مستتر می بینند. به عبارتی هر چیزی که بهره ور باشد را بهینه می دانند و بهره وری را هم ترکیبی از «کارایی» به معنای انجام درست کار (بهترین روش) و «اثربخشی» به معنای انجام کار درست (بهترین کار) می دانند (باران دوست، ۱۳۸۸/۰۹/۰۵). بنابراین مدیریت بهینه ی مرزها در واقع به منصفی ظهور رساندن کارکردهای مرزها در ابعاد مختلف با حفظ ویژگی ها، عمران و آبادی و استفاده از توان های محیطی و انسانی جوامع و مناطق مرزی به وسیله ی اقدام های درست و به موقع و روش های صحیح است. نکته ای که باید به آن توجه نمود آن است که در مواردی وپایش و مدیریت مرز یکی پنداشته می شود، حال آن که وپایش مرز، فرایندی است که به وپایش ورود و خروج در مناطق و مبادی مرزی اشاره دارد و در آن تأکید بر کارکرد انسدادی مرز است.

راهبردهای مدیریت مرزها

کارشناسان سه راهبرد را برای مدیریت مرزها برشمرده اند:

(۱) راهبرد تهدید محور که پایه ی آن بر تهدید زا بودن مناطق مرزی استوار است، بر این مبنا تهدیدها در مناطق مرزی بیشتر از فرصت هاست و از این رو شاکله ی مدیریت و وپایش مرزی کشور در قالب وپایش شدید امنیتی شکل می گیرد و مرزها به عنوان مناطقی نظامی و امنیتی در اختیار قوای نظامی و دستگاه های امنیتی است. بر مبنای راهبرد تهدید محور برای اداره ی مرز، مدیریت نظامی و انتظامی دیکته می شود (پیشگاهی فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۱۴).

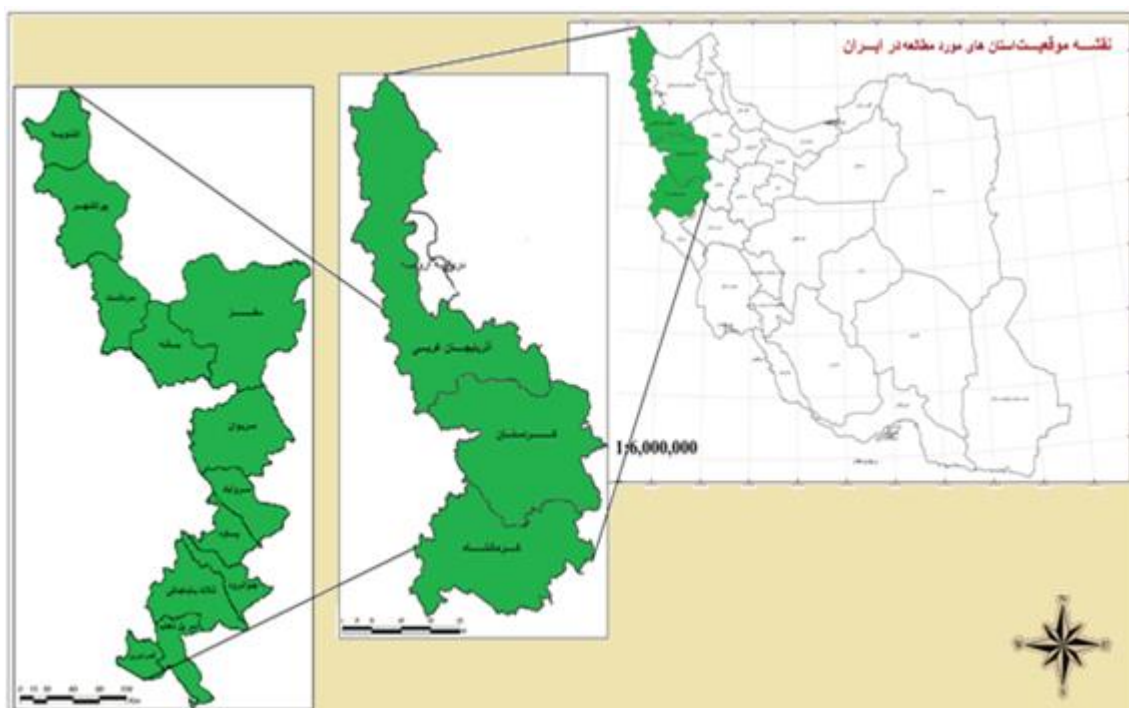
(۲) راهبرد فرصت محور: در این راهبرد، وزن سنگینی به فرصت سازی و فرصت زایی مرزها داده می شود و ایده آل ترین شیوه ی مدیریت این راهبرد، بهره مندی حداکثر از فرصت ها و امکانات مرزی است. این امر سبب توسعه ی اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی جامعه و به خصوص مناطق مرزی می شود و به تبع آن، بسیاری از تهدیدها از بین می رود. در این راهبرد، مدیریت کارکردی بهترین شیوه ی اداره و و پایش مرز است.

۳) راهبرد تلفیقی: این راهبرد، نگرشی ترکیبی به مسائل و مناطق مرزی دارد و جنبه های فرصت و تهدید را به شکل همه جانبه در مدیریت مرزی در نظر دارد. بر اساس، راهبرد تلفیقی در عین حال که مرزها و مناطق مرزی دارای ظرفیت های مناسب برای توسعه و تولید قدرت برای کشور هستند، این مناطق را مصون از تهدید و آسیب نمی داند. بر مبنای این راهبرد، بهترین الگوی مدیریتی برای مرزها، مدیریت ترکیبی است (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۵).

منطقه شناسی

منطقه ی مورد مطالعه در این مقاله، شامل استان ها و شهرستان های مرزی ایران با اقلیم کردستان عراق است. این استان ها عبارت اند از آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه. شهرستان های این منطقه نیز عبارتند از: اشنویه، پیرانشهر، سردشت، بانه، سقز، مریوان، سروآباد، پاره، جوانرود، ثلاث باباجانی، سر پل ذهاب و شمال شهرستان قصر شیرین



نقشه ۱: منطقه مورد مطالعه

تحلیل یافته ها

مدل راهبردی (SWOT) و الویت بندی راهبردها

در این مقاله ابتدا نگارنده براساس مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و مطالعات قبلی انجام شده در این زمینه شاخص هایی را استخراج نموده است، که در فهرست عوامل درونی و بیرونی اثر گذار بر توسعه ی منطقه ی مرزی ایران با اقلیم کردستان عراق در قالب ضعف ها و قوت ها و تهدیدها و فرصت ها دسته بندی نموده است.

جدول ۳: فهرست عوامل درونی و بیرونی اثر گذار بر توسعه ی منطقه ی مورد مطالعه (SWOT)

عوامل درونی		عوامل بیرونی	
فهرست قوت ها ((S)	فهرست ضعف ها ((W)	فهرست فرصت ها ((O)	فهرست تهدیدها ((T)
۱S- ظرفیت های تجاری و بازارچه های مرزی	۱W- منطقه کوهستانی با ارتفاع و شیب نامناسب	۱O- همجواری با شهرهای اقتصادی اربیل و سلیمانیه و اقلیم و کشور عراق	۱T- وجود گروه های تندرو مذهبی و سلفی گرایی
۲S- اکوتوریسم و توریسم تجاری و توریسم فرهنگی	۲W- ضعف راه ها و ارتباطات و تأسیسات زیربنایی	۲O- اشتراکات فرهنگی، قومی و زبانی دو سوی مرز	۲T- تهدیدات گروه های تروریستی تجزیه طلب
۳S- ظرفیت مناسب برای توسعه ی باغات	۳W- کمبود خاک و زمین مناسب جهت کشاورزی	۳O- گرایش گردهای عراق به ایران	۳T- قاچاق کالا، ارز و مواد مخدر
۴S- وجود نیروی انسانی توانمند در زمینه ی صنایع دستی، هنر موسیقی و غیره	۴W- فقدان معادن و صنایع وابسته به آن	۴O- روابط مناسب ایران و اقلیم کردستان و کشور عراق	۴T- حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در کردستان عراق
۵S- استقرار در بالا دست رودخانه های زاب و سیروان	۵W- حضوری جریان های داخلی معارض در منطقه مورد مطالعه	۵O- دسترسی ضعیف عراق و بویژه اقلیم کردستان عراق به آب های آزاد	
	۶W- فقر و محرومیت در منطقه		
	۷W- واگرایی قومی-مذهبی		

عوامل درونی (داخلی) اثر گذار بر توسعه ی منطقه ی مورد مطالعه

هدف این مرحله سنجش محیط داخلی (درونی) منطقه ی مرزی ایران با اقلیم کردستان عراق جهت شناسایی نقاط قوت و ضعف، یعنی جنبه هایی است که در راه دست یابی به اهداف برنامه ریزی و اجرای تکلیف های آن زمینه های بازدارنده یا مساعد دارد. از این رو قابلیت ها و منابع مورد بررسی قرار گرفته و تحت عنوان نقاط قوت و ضعف تقسیم بندی گردید و به هر کدام از موارد رتبه و وزن نرمال در وضع موجود اختصاص یافت (۴ و ۵).

جدول ۴: رتبه و وزن نرمال نقاط قوت اثر گذار بر توسعه ی منطقه ی مورد مطالعه (IFE)

ردیف	نقاط قوت (S)	رتبه (بین ۰-۴)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
1	ظرفیت های تجاری و بازارچه های مرزی	4	15/0	0.6
2	اکوتوریسم و توریسم تجاری و توریسم فرهنگی	4	12/0	0.48
3	ظرفیت مناسب برای توسعه ی باغات	3	075/0	0.225
4	وجود نیروی انسانی توانمند در زمینه ی صنایع دستی، هنر موسیقی و غیره	3	075/0	0.225
5	استقرار در بالا دست رودخانه های زاب و سیروان	2	08/0	0.16
	مجموع (IFE)			1.69

جدول ۵: رتبه و وزن نرمال نقاط ضعف اثر گذار بر توسعه ی منطقه ی مورد مطالعه (IFE)

ردیف	نقاط ضعف (W)	رتبه (بین ۰-۴)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
1	منطقه کوهستانی با ارتفاع و شیب نامناسب	3	05/0	0.15
2	ضعف راه ها و ارتباطات و تأسیسات زیربنایی	4	08/0	0.32
3	کمبود خاک و زمین مناسب جهت کشاورزی	3	08/0	0.24
4	فقدان معادن و صنایع وابسته به آن	4	09/0	0.36
5	حضور جریان های داخلی معارض در منطقه مورد مطالعه	3	06/0	0.18
6	فقر و محرومیت در منطقه	2	07/0	0.14
7	واگرایی قومی-مذهبی	3	07/0	0.21
	مجموع (IFE)			1.6

عوامل بیرونی (خارجی) اثر گذار بر توسعه ی منطقه ی مورد مطالعه

هدف این مرحله بررسی آثار محیط بیرونی جهت شناسایی فرصت ها و تهدیدهایی است که منطقه ی مرزی ایران با اقلیم کردستان عراق با آن مواجه است. بنابراین براساس مطالعات انجام شده و بررسی وضعیت محیط پیرامون ناحیه، مجموعه فرصت ها و تهدیدهای موجود و موثر بر منطقه مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفت و به هر کدام از موارد رتبه و وزن نرمال اختصاص یافت (۶ و ۷).

جدول ۶: رتبه و وزن نرمال عوامل بیرونی (فرصت ها) اثر گذار بر توسعه ی منطقه ی مورد مطالعه (EFE)

ردیف	فرصت (O)	رتبه (بین ۰-۴)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
1	همجواری با شهرهای اقتصادی اربیل و سلیمانیه و اقلیم و کشور عراق	4	15/0	0.6
2	اشتراکات فرهنگی، قومی و زبانی دو سوی مرز	4	12/0	0.48
3	گرایش گردهای عراق به ایران	3	06/0	0.18
4	روابط مناسب ایران و اقلیم کردستان و کشور عراق	3	08/0	0.24
5	دسترسی ضعیف عراق و بویژه اقلیم کردستان عراق به آب های آزاد	3	09/0	0.27
	مجموع (EFE)			1.77

جدول ۷: رتبه و وزن نرمال عوامل بیرونی (تهدیدها) اثر گذار بر توسعه ی منطقه ی مورد مطالعه (EFE)

ردیف	تهدید (T)	رتبه (بین ۴-۰)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
1	وجود گروه های تندرو مذهبی و سلفی گرایی	4	14/0	0.56
2	تهدیدات گروه های تروریستی تجزیه طلب	4	14/0	0.56
3	قاچاق کالا، ارز و مواد مخدر	4	14/0	0.56
4	حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در کردستان عراق	3	08/0	0.24
	مجموع (EFE)			1.92

جدول ۸: وضعیت امتیاز عوامل داخلی و خارجی اثر گذار بر توسعه ی منطقه ی مورد مطالعه

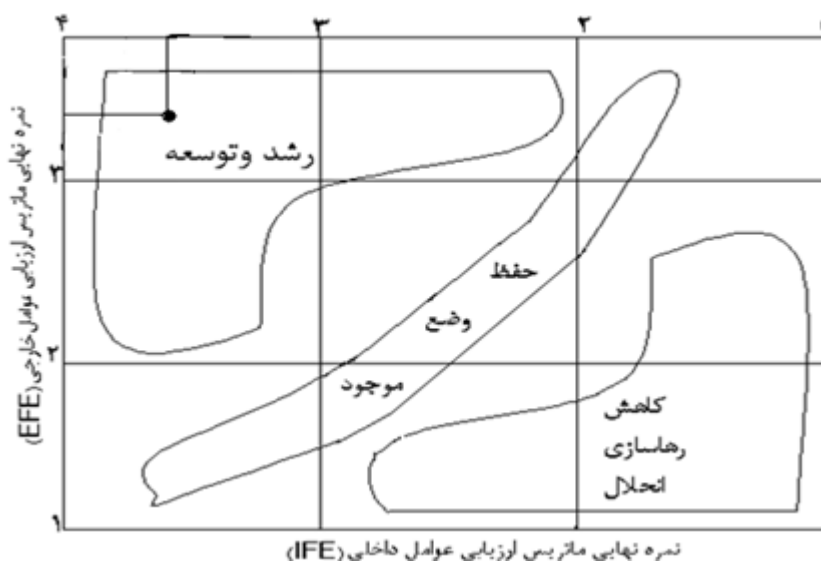
عوامل داخلی		عوامل خارجی	
نقاط ضعف	نقاط قوت	تهدیدها	فرصت ها
1.6	1.69	1.92	1.77
$\Sigma S+W= 3.29$		$\Sigma O+T= 3.69$	

جدول ۹: جمع عوامل داخلی و خارجی اثرگذار بر توسعه ی منطقه ی مورد مطالعه

جمع عوامل داخلی	جمع عوامل خارجی
3.29	3.69

با توجه به اینکه $\Sigma S + W < \Sigma T + O$ است، بنابراین راهبردهای پیشنهادی در این مرحله، رشد و توسعه است. مرحله بعدی در تکنیک سوات، تعیین راهبرد های حاصل از تجزیه و تحلیل عوامل درونی و بیرونی با توجه به رتبه و وزن نرمال آن ها است تا راهبرد های مناسب هر یک از بخش های ST، WO، SO، WT را پیشنهاد نماییم. به طور کلی این راهبرد ها بیانگر موارد زیر هستند:

نمودار ۱: ماتریس نهایی داخلی و خارجی (IE)



بر اساس اطلاعات موجود، در جدول زیر به تحلیل نقاط ضعف و قوت، فرصت و تهدید پرداخته شده است و راهبردهای چهار گانه تهاجمی، بازنگری، تنوع و تدافعی ارائه شده است.

جدول ۱۰: ماتریس SWOT

ماتریس SWOT	نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)
	راهبردهای تهاجمی/رقابتی (SO)	راهبرد های بازنگری/تغییر جهت هوشمندانه (WO)
فرصت ها (O)	<p>۱SO- گسترش تجارت و بازارچه های مرزی در مرز با اقلیم کردستان عراق براساس توان داخلی و فرصت های فرهنگی و سیاسی بین ایران و اقلیم کردستان عراق</p> <p>۲SO- ایجاد روابط فرهنگی و اقتصادی بین دو طرف مرز مذکور براساس اشتراکات قومی و زبانی و نیازهای متقابل اقتصادی</p> <p>۳SO- توسعه توریسم فرهنگی و استفاده از اشتراکات فرهنگی و دسترسی مرزی برای توسعه گردشگری</p>	<p>۱WO- گسترش تجارت مرزی برای رفع فقر ناشی از فقدان منابع کشاورزی، معدن و صنعت در منطقه مورد مطالعه</p> <p>۲WO- تأکید بر فرصت ها و اشتراکات فرهنگی دو طرف مرز برای تعدیل و خنثی سازی واگرایی قومی- مذهبی و اقدامات گروه های معارض در داخل منطقه مورد مطالعه</p>
	راهبرد های تنوع (ST)	راهبردهای تدافعی (WT)
تهدیدها (T)	<p>۱ST- توسعه ی تجارت و بازارچه های مرزی برای مقابله با قاچاق کالا و ارز و مواد مخدر</p> <p>۲ST- گسترش تجارت با اقلیم کردستان عراق برای رقابت و مقابله با حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق</p> <p>ST- توسعه منطقه ی مورد مطالعه براساس توانمندی های تجارت، توریسم، باغات، ظرفیت های محلی و غیره برای مقابله با تهدیدات گروه های معارض قومی و مذهبی</p>	<p>۱WT- توسعه ی راه ها و ارتباطات برای کنترل بر منطقه مورد مطالعه و دسترسی سریع جهت مقابله با تهدیدات گروه ها و بازیگران خارجی؛</p> <p>۲WT- تعدیل فقر اقتصادی-اجتماعی جهت خنثی سازی و مقابله با تهدیدات خارجی.</p>

پس از تکمیل ماتریس SWOT، از آنجا که به جهت تلاقی عوامل محیطی داخلی و خارجی صرفاً ۴ نوع راهبردی ST،SO، WO، WT به دست آمد، در حالی که ممکن است از تلاقی آن ها نیز راهبرد دیگری به دست آید. لذا مجدداً کلیه راهبردهای ۴ گانه و ارتباط آن ها با همدیگر، براساس اولویت و انجام فرآیندهای آماری مورد بررسی و دقت نظر قرار گرفت تا در نهایت از دل آن ها راهبردهای ترکیبی حاصل شده و ماتریس بهبود یافته ی SWOT به دست آید که به شرح زیر است.

جدول ۱۱: ماتریس بهبود یافته ی (SWOT)

راهبردهای ترکیبی ((SWOT)

۱SW- گسترش راه ها و ارتباطات و تأسیسات زیربنایی جهت بهره وری از ظرفیت های تجارت و توریسم؛

۲SW- استفاده از ظرفیت های تجارت، توریسم، باغات، نیروی انسانی و موقعیت بالادستی هیدروپلیتیکی جهت تعدیل فقر اجتماعی-اقتصادی ناشی از فقر سرزمینی؛

نتیجه گیری

منطقه ی مورد مطالعه به لحاظ برخورداری از خاک مناسب برای کشاورزی و معادن مناسب برای ایجاد صنایع وابسته به معدن در وضعیت مناسبی قرار ندارد. این امر سبب فقر در این منطقه شده است. پرداختن مردم این منطقه به فعالیت های سنتی کشاورزی و باغ داری سبب بهره وری پایین آن ها و عدم برخورداری از سطح توسعه ی بالای آن ها شده است. این امر در جمع با عوامل انسانی مانند قومیت و مذهب متفاوت این منطقه با سایر نقاط کشور و نفوذ جریانات سیاسی قومی و مذهبی مخالف با حکومت مرکزی سطح امنیت در منطقه ی مورد مطالعه را پایین آورده است. ویژگی های خاص طبیعی و انسانی این منطقه و شرایط مرزی و حاشیه ای آن سبب فقر و عدم توسعه یافتگی و ناامنی آن شده است. این امر در اثر عدم توجه دولت به ایجاد زیرساخت هایی مانند راه ها و ارتباطات سبب افزایش واگرایی و ناامنی شده است. فقر سرزمینی و شرایط مرزی و دسترسی به فرای مرزها، سبب شکل گیری اقتصاد غیر رسمی و قاچاق شده است. بخشی از مردم در منطقه ی مورد مطالعه زندگی خود را از طریق قاچاق کالا و مشروبات الکلی و اخیراً مواد مخدر می گذرانند که سبب تهدید اقتصاد منطقه ی مورد مطالعه و بویژه اقتصاد ملی کشور شده است. کشور ایران به دلیل شرایط خاص خود بیشتر در معرض تهدید اثرات ناشی از قاچاق است. فقر و عدم توسعه یافتگی منطقه مورد مطالعه سبب جذب برخی از مردم، بویژه جوانان بی کار در گروه های واگرایی قومی و مذهبی مانند پژاک و سلفی ها شده است که دارای تأثیر مستقیم بر امنیت و توسعه ی منطقه مورد مطالعه و بویژه بر امنیت ملی کشور ایران است.

در مقابل این ضعف ها و تهدیدها فهرستی از قوت ها و فرصت ها از جمله ظرفیت تجارت و بازارچه های مرزی، توریسم، باغات، توان نیروی انسانی، موقعیت بالادستی، اشتراکات فرهنگی دو طرف مرز و همگرایی دولتی بین دو طرف مرز و غیره وجود دارد. در مدل راهبردی SWOT راهبردهایی جهت تقویت قوت ها و بهره گیری از فرصت ها و تعدیل ضعف ها و خنثی سازی تهدیدها ارائه شده است که به طور کلی دلالت بر برنامه ریزی منطقی برای توسعه ی منطقه براساس قوت های داخلی و فرصت های مرزی و خارجی جهت فقر زدایی و در نتیجه تعدیل و خنثی سازی ضعف ها و تهدیدها است. این امر به خوبی در راهبرد رشد و توسعه ی استخراج شده از مدل راهبردی در نمودار (شماره ۱) مذکور مشخص شده است.

منابع

اخباری، محمد و محمد حسن نامی، (۱۳۸۸)، جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی- اجتماعی، جلد ۱، قم: سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور.

مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۷۹)، ایده های ژئوپلیتیک و واقعیت های ایرانی، تهران: نشرنی.

مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.

میرحیدر، دره، (۱۳۸۱)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.

میور، ریچارد، (۱۳۷۹)، درآمدی بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر و یحیی رحیم صفوی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- Blake, G., (2000). Geographers and International Boundaries. *Boundary and Security Bulletin*, Winter 1999-2000, 55-62.
- Boateng, E.A. (1980). *A Political Geography Of Africa*. Cambridge University Press.
- Boggs, S., (1940). *International Boundaries: a Study of Boundary Function and Problems*. New York, Columbia University Press.
- Glassner, Martin era, (1993), *Political Geography*, John Willey, New York.
- Gottmann, Jean, (1979), *Evolution of the Concept of Territory*, *Social Science Information*, Vol.14, No. ¾. Paris.
- Hartshorne R. (1936), *Suggestion on the Terminology of Political Boundaries*, “*Annals of the Associations of American Geographers*”, vol. 26, pp. 121-147.
- Holdich, T.H., (1916). *Geographical Problems in Boundary Making*. *Geographical Journal*, 47, 421-39.
- Jones, S.B., (1945). *Boundary Making: a Handbook for Statesment, Treaty Editors and Boundary Commissioners*. Washington, DC., Carnegie Endowment for International Peace.
- Kristof, L., (1959). *The Nature of Frontiers and Boundaries*. *Annals of the Association of American Geographers*, 49, 269-82.
- Macdonald, p, (1978), *Frontiers, Area*, No. 10.
- Minghi, J., (1963). *Boundary Studies in Political Geography*. *Annals of the Association of American Geographers*.
- Mojtahed-Zadeh, Pirouz (2006). *Boundary Politics and International Boundaries of Iran*. Florida: Universal Publisher.
- Newman D. and Paasi A. (1998) ‘Fences and neighbours in the postmodern world –boundary narratives in political geography’, *Progress in Human Geography*, 22, 2,186-207.
- Prescott, J.R.V, (1978), *Boundaries and Frontiers*, Croom Helm, London.
- Taylor, Peter J, (1989), *Political Geography*, 2nd addition, Longman Scientific & Technical, London.